

# تأثيرات سیاسی و اقتصادی کرونا

یانیس واروفاکیس

ترجمه‌ی رسول قنبری و مریم مولائی



در مورد تعامل مهلک میان انقباض اقتصادی ناشی از کرونا و بحران پایان‌ناپذیر سرمایه‌داری جهانی پس از سال ۲۰۰۸

متن سخنان یانیس واروفاکیس درباره تاثیر کرونا بر اقتصاد سیاسی جهان



من یانیس واروفاکیس (Yanis Varoufakis) از دی‌ی‌م ۲۵ (جنبش دموکراسی در اروپا)<sup>[۱]</sup> هستم و می‌خواهم درباره‌ی تأثیر این بیماری همه‌گیر<sup>[۲]</sup> نه تنها بر زندگی روزمره و سلامتی‌مان، بلکه در وهله‌ی اول بر روی اقتصاد، سیاست، اخلاق، و نحوه‌ی برخورد ما با تهدیدات مقارن یا نامتقارن صحبت کنم.

این بیماری همه‌گیر، همچون تمام بیماری‌های همه‌گیر دیگر از دو سپهر مجزا اما درهم تنیده تشکیل شده است: اول تأثیر آن بر سلامتی ما، تغییر روش زندگی‌مان به واسطه‌ی قرنطینه، متوقف ساختن فعالیت‌های عادی خود، و ترس از بیماری؛ و دیگر این که این بیماری همه‌گیر در سرتاسر اقتصاد سیاسی سرمایه‌داری جهانی نفوذ کرده است.

بی‌شک، کرونا بحران پس از سال ۲۰۰۸ را تسریع خواهد کرد. اجازه ندهید به شما بگویند که بحران ۲۰۰۸ تمام شده است و دیگر بحرانی نداریم. بحران ۲۰۰۸ هرگز به پایان نرسیده است، بلکه در اشکال متفاوت به پیش رفته و از قاره‌ای به قاره‌ی دیگر می‌رود؛ اما با این همه همواره با ما بوده است. جهان هرگز به تعادلی مشابه تعادل پیش از ۲۰۰۸ بازنگشته است؛ سرمایه‌داری امروز را نمی‌توان با استفاده از ارجاعات به مشخصه‌های پیش از ۲۰۰۸ بازشناخت. اما کرونا بحران‌های بی‌پایان و توقف‌ناپذیری را که در سال ۲۰۰۸ آغاز شد، تعمیق و تسریع کرده است.

اگر خوب فکر کنید دلیلی برای ظاهر عادی بهبودی پس از ۱۱-۲۰۱۰ وجود داشته است. دلیلش این است که خود بانک‌های مرکزی و دولت<sup>[۳]</sup> عهده‌دار این امر شدند تا بار دیگر بازارهای مالی را احیا و چرخه‌ی سرمایه‌ی مالی شده را بازسازی کنند. آن‌ها این کار را با چاپ هزاران و هزاران میلیارد دلار پول و با روانه کردن پول‌ها با نرخ بهره‌ی ۰/۱ درصد به سوی شرکت‌هایی همچون اپل، گوگل، و غیره که از پیش هم غرق در پول بودند به انجام رساندند. برای مثال در ایالات متحده آمریکا این شرکت‌ها پول رایگان را از فدرال رزرو (بانک مرکزی ایالات متحده آمریکا) وام گرفتند تا سهام خود را بازخرید کنند.

تمام کاری که صورت پذیرفت این بود که در آتش نابرابری دمیدند، بازارهای مالی را تثبیت کردند، و همزمان سرمایه‌گذاری‌های واقعی را بر روی مشاغل باکیفیت، نیروی کار، بهداشت، آموزش و گذارِ سبز<sup>[۴]</sup> - که نیاز اصلی کره‌ی زمین است - به صفر رساندند. دلیل وقوع این حجم از نارضایتی‌ها حتی پیش از رسیدن کرونا به صحنه همین بوده است. بنابراین، هنگامی که کرونا به صحنه آمد، با یک سرمایه‌داری جهانی مواجه شد که بر روی حباب بدهی عظیمی نشسته بود که بانک‌های مرکزی و سرمایه‌ی مالی ایجاد کرده بودند. بنابراین مسئله این نیست که ارزش مبادلاتی سهام بالا و پایین می‌رود. هر گونه سقوط فاجعه‌آمیز مبادلات بازار سهام را می‌توان به راحتی در ادامه‌ی افزایش شدید شاخص‌هایی که سر به فلک می‌کشند مشاهده کرد. اما ولو آن که بانک‌های مرکزی - فدرال رزرو، بانک ژاپن، بانک انگلستان، بانک مرکزی اروپا - بخواهند سرمایه‌داری را مجدداً به همان شیوه‌ی سال ۲۰۰۸ احیا کنند، ما را به وضعیتی که پیش از کرونا داشتیم باز نخواهند گرداند.

کرونا به حبابی که سرمایه‌داری مالی تاکنون بر روی آن نشسته بود سوزنی فرو کرده است. بنابراین، حتی اگر بازارهای مالی بار دیگر احیا شوند، سطح سرمایه‌گذاری پایین‌تر از میزان چندین ماه پیش خواهد بود، و فراموش نکنیم که چند ماه پیش سطح سرمایه‌گذاری به‌ویژه در چیزهای مهم مورد نیاز بشر همچون اقلام ضروری، انرژی سبز و غیره، نسبت به پس‌انداز نقدینگی موجود هیچ‌گاه این قدر اندک نبود. حال تصور کنید که پس از این چه خواهد شد.

امروز سرمایه‌داری مالی شده در مقایسه با ۲۰۰۸ از کدام سازوکار دفاعی استفاده خواهد کرد؟ مقایسه‌ی میان سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۲۰ کاملاً آموزنده خواهد بود. در سال ۲۰۰۸ دو چیز سرمایه‌داری جهانی را نجات دادند: فدرال رزرو و چین. البته که اتحادیه‌ی اروپا، صندوق بین‌المللی پول و سایر نهادها، کار فدرال رزرو و چین را با انتقال شریانه‌ی حجم بسیار عظیم زیان بانک‌های خصوصی بر دوش ضعیف‌ترین مالیات‌دهندگان تکمیل

کردند؛ چیزی که ما در دی‌ی‌ام ۲۵ سوسیالیسم برای اقلیت‌ها (بانکداران) و ریاضت شدید برای توده‌ها می‌نامیم. اما این چین و فدرال‌رزرو بودند که ارکان حفظ سرمایه‌داری محسوب می‌شدند. امروز چنته‌ی هر دو رکن کاملاً تهی شده است. کرونا در چین شروع شد و آسیب‌های جدی به ظرفیت اقتصادی سیاسی چین برای تولید مازاد وارد ساخت، کارخانه‌ها را به تعطیلی کشاند، نرخ رشد را به زیر صفر رساند، و در مقایسه با آنچه که در بحران مالی سال ۲۰۰۸ به نفع چین انجام پذیرفته بود، دقیقاً خلاف آن را انجام داد. امروز چین در جایگاهی نیست که بتواند آنچه را که باید، به‌منظور تحریک تقاضای کل در آلمان، هلند، ژاپن و ایالات متحده آمریکا انجام دهد. چین امروز خود یک بیمار است، نه درمانگر. فدرال‌رزرو به‌طور بالقوه می‌تواند شاهکار ۲۰۰۹ را تکرار نماید؛ چرا که فدرال‌رزرو در سال ۲۰۰۹ آنچه را که خطوط معاوضه‌ی دلار (dollar swap lines) نامیده می‌شد به بانک مرکزی اروپا، بانک مرکزی ژاپن، بانک انگلستان و دیگر بانک‌های مرکزی گسترش داد و متأثر از همین موضوع به آن‌ها اعلام کرد که هر مقدار دلار که نیاز داشته باشند به آن‌ها خواهد داد تا جایگاه و بدهی خود را با دلار پوشش دهند و در نتیجه بدهی‌ها دود شوند و به هوا روند. هزاران میلیارد دلار توسط فدرال‌رزرو برای بانکداران احمق آلمان، فرانسه، یونان، ژاپن و کشورهای دیگر مهیا شد و توانست آن‌ها را مجدداً احیا نماید.

اکنون نیز می‌توانند دست به همین کار بزنند. اما با دو مشکل مواجهیم. اول، همان‌طور که گفتم این کار نمی‌تواند ظرفیت سرمایه‌داری را برای سرمایه‌گذاری بر روی اقلام ضروری و مشاغل باکیفیت بازگرداند. این ظرفیت حتی از سطوح اندکی که پیش از شیوع کرونا داشتیم، کم‌تر خواهد بود. اما با مشکل دیگری نیز مواجهیم: مشکلی به نام دونالد ترامپ در کاخ سفید. آیا دونالد ترامپ دست روی دست خواهد گذاشت تا نظاره‌گر این باشد که فدرال‌رزرو اگر لازم باشد خطوط معاوضه‌ی دلار را برای آلمان، اتحادیه‌ی اروپا، ژاپن و یا چین مهیا کند؟ ترس من این است که ترامپ چیزهایی را به خطوط معاوضه‌ی دلار الحاق خواهد کرد، و اگر شما سعی کنید که چیزی را به آن الحاق کنید و آن را

همچون ابزار مذاکره با اتحادیه‌ی اروپا و یا چین به کار برید، منجر به از بین رفتن اثرگذاری خطوط معاوضه‌ی دلار خواهد شد. این موضوع به نظر یک مشکل فنی می‌آید. اما یک مشکل فنی نیست، بلکه به‌نوعی استفاده از قدرت زور است. طی سال‌های ۹-۲۰۰۸ فدرال‌رزرو از امتیاز خارق‌العاده‌ی ظرفیت انتشار دلار برای نجات سرمایه‌ی مالی در سایر نقاط جهان استفاده کرد. دونالد ترامپ علاقه‌ای به انجام چنین کاری ندارد. اگر او علاقه‌ای به انجام این کار نداشته باشد، پیامد آن بسیار سراسر خواهد بود. ما با بحرانی عمیق‌تر و رکودی شدیدتر مواجه خواهیم شد که تأثیرات ملموسی بر زندگی مردم از هنگ‌کنگ و شانگهای تا فنلاند، پرتغال، ایسلند و هر جای دیگری خواهد داشت. به همین دلیل، این بیماری همه‌گیر از اهمیت بالایی در زندگی افراد واقعی در سرتاسر جهان برخوردار است.

اگر می‌بایست درسی از این پیشرفت در اقتصاد سیاسی جهانی بیاموزیم، بر دو نکته باید تأکید کرد. اول، اهمیت نظام‌های سلامت و بهداشت عمومی، و دوم اهمیت حیاتی استفاده از منابع مالی عمومی در راستای منافع توده‌ها، نه اقلیت.

من با نظام بهداشت آغاز می‌کنم. توجه کرده‌اید که ارائه‌دهندگان خدمات بهداشتی خصوصی شبیه موش‌هایی‌اند که از کشتی در حال غرق شدن به بیرون می‌پرند؟ آیا چیزی در مورد سهم بیمارستان‌های خصوصی و مراقبت‌های بهداشتی خصوصی در این بحران پویای ناشی از کرونا شنیده‌اید؟ نه! آنها [در عالم واقع] جایی ندارند که دیده شوند. تمام بحث‌ها در این مورد در رسانه‌ها در جریان است. همان رسانه‌ها که پیش از آغاز شیوع کرونا مدام درباره‌ی مشارکت بخش عمومی و بخش خصوصی و این که چقدر مهم است که این دو بخش پول را به سمت مراقبت‌های بهداشتی خصوصی سوق دهند چون کارآمدتر از مراقبت‌های بهداشت عمومی هستند داد سخن سر می‌دادند - این همان روایت طبقه‌ی ممتاز است که پس از تاچر و ریگان برای دهه‌ها در غرب تسلط یافته است - و از فضایل خصوصی‌سازی بیمارستان‌های مشارکتی عمومی و خصوصی حرف می‌زدند،

امروز فقط در مورد اهمیت استفاده از خدمات بهداشت عمومی برای نجات خودمان، نجات جانمان و بهبود اثرات کرونا سخن می‌گویند. می‌خواهم موضع خود را صریح بگویم. نمی‌خواهم صرفاً بگویم که نظام سلامت خصوصی ناکارآمد است. نه، این نظام صرفاً ناکارآمد نیست، بلکه ویرانگر است. هر یورو، هر ین، و هر دلاری که در خدمات درمانی خصوصی هزینه می‌شود، نه تنها بر ظرفیت بشریت در مقابله با بیماری‌های همه‌گیر نمی‌افزاید، بلکه از آن نیز می‌کاهد. وقت آن رسیده است که ریشه‌ی خدمات درمانی خصوصی را بخشکانیم. حتی یک استدلال لیبرالی نیز به نفع بیمه‌ی درمانی خصوصی و نظام بهداشت خصوصی وجود ندارد. آن‌ها حتی مطابق با معیارهای اندیشه‌ی لیبرال طرفدار سرمایه‌داری و طرفدار نظام بازار عمل نمی‌کنند.

و درس دوم، سیاست مالی است. جالب است که حتی فدرال رزرو و به‌ویژه بانک مرکزی اروپا تحت مدیریت رئیس جدید خود کریستین لاگارد (Christine Lagarde)، که به‌رحال در نخستین تلاش خود چند روز پیش در یک کنفرانس مطبوعاتی به‌منظور مداخله برای ایجاد ثبات در بازارها و نشان دادن این که بانک مرکزی اروپا هر کاری را که لازم باشد برای نجات اروپا و تثبیت اقتصاد انجام خواهد داد، نمره‌ی صفر گرفت - و به طرز شگفت‌آوری شکست خورد و هر دو نمودار روند منفی را نشان دادند که نمی‌خواهم در این جا به آن‌ها پردازم - با وجود این بیرون آمد و گفت ما طی ده سال گذشته از تمام امکانات خود استفاده کردیم - اگر چه او این کلمات را به کار نبرد، اما منظورش همین بود که ما بازارهای مالی را احیا کردیم و کار دیگری از دستمان برنمی‌آید. به این مسئله فکر کنید که بانک مرکزی اروپا دارای نرخ سود ۰/۵- درصد است. بانک مرکزی اروپا به خرید انواع بدهی‌های خصوصی، عمومی و غیره ادامه می‌دهد؛ و دیگر رمقی برایش باقی نمانده است. و وی به نمایندگی از بانک مرکزی بسیار محافظه‌کار اروپا، بی هیچ تعارفی به نخست‌وزیران و رؤسای جمهور گفت اکنون کار شما این است که وام بگیرید و خرج کنید. و آن‌ها چه کار می‌کنند؟ حیرت‌انگیز است!

اخیراً نشست گروه یورو (Eurogroup)، نشستی که مربوط به وزرای دارایی کشورهای اتحادیه‌ی اروپا است که از واحد پول یورو استفاده می‌کنند، به‌شکل کنفرانس ویدیویی برگزار شد. آن‌ها نتیجه گرفتند که کرونا تبدیل به خطری حاضر و آشکار برای رکود گسترده در اروپا شده و این تهدیدی بسیار بزرگ برای اقتصادهای اروپایی است. ضرورت این امر آنقدر زیاد بود که آن‌ها تصمیم گرفتند مطلقاً هیچ کاری انجام ندهند! آن‌ها تصمیم گرفتند به تماشای این وضعیت بپردازند! شاهد هستید که آنچه اتفاق می‌افتد این است که گروه یورو، اتحادیه‌ی اروپا و به‌طور مشخص منطقه‌ی یورو<sup>[۵]</sup> آنقدر ساختار یافته است که آن‌ها را در حالت خودکار قرار می‌دهد. در حقیقت آن‌ها از قوانین خاصی پیروی می‌کنند که بدون ضربه به اقتصادهای ما نمی‌توان آن‌ها را رعایت کرد. این تنها بازتابی از چیزی که باید باشد نیست، بلکه بازتابی از نظامی است که به‌منظور جلوگیری از اقدام دولت‌ها به نمایندگی از طرف جامعه ایجاد شده است و چنانچه می‌خواهید هسته‌ی نولیبرال در داخل اروپا باقی بماند، اقدام درست همین است. آن‌ها راجع به انجام هر کاری که در پیمان مالی<sup>[۶]</sup> آمده است صحبت به میان می‌آورند که به معنای انجام هیچ‌گونه اقدامی است! زیرا پیمان مالی مانند یک قفس آهنی ریاضتی است که نمی‌توان از آن فرار کرد، و اگر بخواهید در رابطه با گذار سبز - که بسیار ضروری است - کاری از پیش ببرید یا با رکود عمده‌ای که کرونا دارد به اروپایی می‌آورد که در نتیجه‌ی چنان بسته‌ی ریاضتی سختگیرانه‌ای - که در سال ۲۰۱۰ شروع به افزایش کرد و سپس به‌مثابه سرطانی خارج از کنترل در سرتاسر اتحادیه‌ی اروپا گسترش یافت - از بقیه‌ی دنیا عقب مانده است، دست‌وپنجه نرم کنید، باید از قفس آهنی ریاضت فرار کنید.

جمع‌بندی می‌کنم. دنیایی که ما در آن زندگی می‌کنیم به گونه‌ای اداره نمی‌شود که امکان دیدن نوری را در انتهای تونل مدیریت بحران‌های پایان‌ناپذیر سرمایه‌داری که از قضا اکنون کرونا هم به آن جان تازه‌ای بخشیده است به ما بدهد. اتحادیه‌ی اروپا هرگز

بی‌کفایت‌تر از اکنون نبوده است. اتحادیه‌ی اروپا هیچ‌گاه به اندازه‌ی اکنون عاجز‌تر از عمل به‌عنوان یک اتحادیه نبوده است.

پیشنهاد‌های دی‌ی‌ام ۲۵ از زمان آغاز به کار در طول چهار سال گذشته، راجع به یک سیاست سرمایه‌گذاری مشترک مبتنی بر اتحاد میان بانک‌های سرمایه‌گذاری (بانک سرمایه‌گذاری اروپا و بانک مرکزی اروپا)، سود سهام پایه‌ی جهانی (Universal Basic Dividend)، مالیات بر کربن (Carbon Tax) و یک صندوق سهام اجتماعی (Social Equity Fund) بوده است که هدف از آن تأمین همزمان سرمایه‌ی خصوصی و ابزارهای مالی عمومی در راستای کنترل حجم هنگفت نقدینگی موجود در چرخه‌های مالی ما و استفاده‌ی درست از آن‌ها به معنی به کار بردن آن‌ها در خدمات عمومی از منظر بهداشت عمومی، گذار سبز و ایجاد مشاغل باکیفیت است. دستور کار دی‌ی‌ام ۲۵ هیچ‌گاه مناسب‌تر و ضروری‌تر از امروز نبوده است.

بنابراین می‌توانیم ببینیم که تمام استدلال‌های تشکیلات لیبرال طبق روال همیشه تنها یک ویروس کوچک لازم دارند تا از کار بیفتند. ما شاهد بودیم که تمام کاری که ایده‌ی خروج جناح چپ از اتحادیه‌ی اروپا از پیش برد، قوی‌تر کردن افرادی مانند بوریس جانسون و افراطیون جناح راست بود؛ یعنی ملی‌گرایانی که می‌خواهند دیوارهای بلندتری میان کشورهایمان بکشند، افرادی که با مقابل یکدیگر قرار دادن یک ملت غیور در برابر ملتی دیگر، یک شخص در برابر شخصی دیگر و یکی از اعضای طبقه‌ی کارگر در برابر یکی دیگر از اعضای همان طبقه - از منافع سیاسی بهره‌مند می‌شوند. ما ناتوانی احزاب سیاسی موجود مبتنی بر دولت-ملت را در اتحاد با یکدیگر، ارائه‌ی یک مانیفست مشترک و یک دستور کار سیاست‌گذاری مشترک برای کل اتحادیه‌ی اروپا مشاهده کرده‌ایم.

دی‌ی‌ام ۲۵ تنها برنامه‌ای است که آن را انجام داده است؛ ما نیودیل سبز<sup>[۷]</sup> خود را داریم. نیودیل سبز را می‌توان تنها تشکیلاتی دانست که می‌تواند به‌طور همزمان هم سرمایه‌گذاری در گذار سبز را که بسیار ضروری است - می‌داند که تنفس روی این سیاره را به ما



می‌بخشد- به‌وجود آورد و هم خدمات بهداشت عمومی که برای مقابله با بیماری‌های عالم‌گیر<sup>[۸]</sup> مانند کرونا دارای اهمیت هستند.

به نمایندگی از طرف دی‌ی‌م ۲۵، یا آن‌طور که ما می‌گوییم «کارپه دی‌ی‌م»<sup>[۹]</sup> عنوان می‌کنم، دنیا خیلی خیلی زود به مکانی بدتر تبدیل خواهد شد، اما این وظیفه‌ی ماست که در چارچوب یک جنبش فراملی مانند آنچه که دی‌ی‌م ۲۵ در حال برپا کردن آن در اروپاست و مانند آنچه که بین‌الملل (انترناسیونال) ترقی‌خواه<sup>[۱۰]</sup> در سرتاسر جهان در حال انجام آن است - که بعدها به‌خصوص در ماه سپتامبر در هنگام بازآفرینی بین‌الملل ترقی‌خواه در ریکیاویک<sup>[۱۱]</sup> ایسلند در مورد این موضوع بیش‌تر صحبت خواهیم کرد- بجنگیم. بسیار ضروری است که به مبارزه ادامه دهیم؛ زیرا طرح‌ها و اندیشه‌های ما کاربردی و عقلایی هستند و قابلیت اجرای فوری دارند. تنها کاری که باید انجام دهیم این است که سیاست قاره‌ی اروپا را تغییر دهیم. قاره‌ای که بازتولید خودش را در شرایط کنونی بدون سیاست‌های مترقی فراملی عمیق و بنیادی که ما در دی‌ی‌م ۲۵ از آن‌ها دفاع می‌کنیم غیرممکن می‌داند.

## یادداشت‌ها

[۱] DiEM۲۵: Democracy in Euroup Movement

[۲] Epidemic

[۳] Government

[۴] Green Transition - منظور از آن، مجموعه‌ای از اقدامات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است که با در نظر گرفتن اهمیت محیط‌زیست منجر به توسعه‌ی پایدار می‌شوند. از جمله این اقدامات می‌توان به استفاده از انرژی‌های سبز، سرمایه‌گذاری در حمل‌ونقل سبز، حمایت از طرح‌های کارآفرینی و کشاورزی سبز و ایجاد دموکراسی سبز - به معنی وضع و اجرای قوانین با حفظ توجه به محیط‌زیست طبیعی - اشاره کرد.

[۵] Eurozone - کشورهایی که از واحد پول یورو استفاده می‌کنند.

[۶] Fiscal Compact - پیمان ثبات، هماهنگی و حکمرانی در اتحادیه‌ی اقتصادی و پولی که TSCG یا به عبارت دیگر، معاهده‌ی ثبات مالی نیز نامیده می‌شود، پیمانی بین‌دولتی است که به‌عنوان نسخه‌ی جدیدتری از پیمان ثبات و رشد معرفی شده است و در تاریخ ۲ مارس ۲۰۱۲ توسط همه‌ی کشورهای عضو اتحادیه‌ی اروپا، به جز جمهوری چک و پادشاهی متحد بریتانیا و ایرلند شمالی (UK)، امضا شده است.

[۷] Green New Deal - خود نیودیل برگرفته از نام برنامه‌ی اقتصادی و اجتماعی فرانکلین روزولت، رئیس جمهور سابق ایالات متحده‌ی امریکا، پس از بروز رکود در سال ۱۹۲۹ میلادی است. اما نیودیل سبز به برنامه‌ی انتخاباتی برنی ساندرز اشاره دارد. برنامه‌ی دی‌ی‌ی‌م ۲۵ (جنبش دموکراسی در اروپا) که واروفاکیس عضو آن است برای نجات اقتصاد اروپا ایجاد یک بانک سرمایه‌گذاری و صدور اوراق قرضه برای پنج سال به نحوی است که سالانه ۵۰۰ میلیارد یورو وام بگیرد و این ۲۵۰ هزار میلیارد یورو را صرف «سبزی‌سازی» اقتصاد اروپا بکند و از این مجموعه تحت عنوان نیودیل سبز نام می‌برند.

[۸] Pandemic - همچنین دنیاگیری یا همه‌گیری جهانی؛ به حالتی از اپیدمی یک بیماری گفته می‌شود که از مرز چند قاره فراتر رفته باشد.

[۹] Carpe diem - عبارتی لاتین به معنی «دم را غنیمت شمردن». در دی‌ی‌ی‌م ۲۵، علاوه بر اینکه diem مخفف Democracy in Europe Movement می‌باشد، به‌طور زیرکانه‌ای از عبارت Carpe diem هم وام گرفته شده است.

[۱۰] The Progressive International - یک سازمان بین‌المللی متشکل از فعالان و سازمان‌های جناح چپ ترقی‌خواه است. مهم‌ترین حامیان آن برنی ساندرز و یانیس واروفاکیس هستند و توسط موسسه‌ی ساندرز و دی‌ی‌ی‌م ۲۵ راه‌اندازی شده است.

[۱۱] Reykjavík - پایتخت کشور ایسلند

پیوند به ویدیو:

<https://www.yanisvaroufakis.eu/۲۰۲۰/۰۳/۱۶/on-the-lethal-interaction-between-the-coronavirus-contraction-global-capitalisms-never-ending-post-۲۰۰۸-crisis/>